

## **Examining the Interpretive and Jurisprudential Signification of "the Verse of Adultery" on the Prohibition of Marrying an Adulterer or Adulteress**

Mohamad Ali Faizabadi

Reza Haghpanah

### **Abstract**

Verse 3 of Surah Noor (the verse of adultery) is one of the important documents that is used by twelver jurists for the eternal prohibition, in the topic of marrying an adulterer. Jurists and interpreters have two positions as to whether the above verse indicates prohibition in this topic or it's just for declaration. According to the structure and context of the verse, some believe: Although the context of the verse is a declaration, it shows a religious law and signifies the prohibition of marrying an adulterer. The others believe that the verse only expresses the objective fact that the guilty seeks the sinful and the good seeks the pure; according to the context of words of the verse and hadith arguments. Examining the arguments proves that the verse declares a moral and natural rule and does not signify the religious law of prohibition.

**Keywords:** Marriage, Adultery, the Verse of Adultery, Prohibition, Signification.

## بررسی دلالت تفسیری و فقهی آیه زنا بر حرمت نکاح با زانی و زانیه<sup>۱</sup>

محمدعلی فیض آبادی<sup>۲</sup>

رضا حق پناه<sup>۳</sup>

### چکیده

یکی از دلیل‌های مهمی که فقهای امامیه در حکم به حرمت ابدی در بحث ازدواج با زناکار، به آن استناد می‌کنند، آیه ۳ سوره نور (آیه زنا) است. در اینکه آیا آیه مذکور در این مسئله دلالت بر حرمت می‌کند یا خیر، فقها و مفسران دو دسته‌اند. برخی با استناد به ظاهر و سیاق آیه معتقدند: با اینکه ظاهر آیه خبری است، ولی در مقام بیان حکم تشریحی بوده و دلالت بر حرمت ازدواج با زناکار دارد. در مقابل، بسیاری از مفسران و فقها با تکیه بر سیاق و اژگان آیه و ادله روایی بر این باورند که آیه، در مقام بیان حکم تشریحی نبوده، بلکه فقط بیان‌کننده واقعیتهایی عینی است که همواره انسان‌های آلوده دنبال آلوده‌ها رفته و انسان‌های پاک، تن به آلوده‌ها نمی‌دهند. با بررسی و تحقیق در ادله، نظر صحیح آن است که آیه در مقام بیان حکم اخلاقی و طبیعی است و دلالتی بر تشریح و حکم حرمت در مسئله مذکور ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** نکاح، زنا، آیه زنا، حرمت، دلالت.

۱. این مقاله از رساله سطح چهار حوزه علمیه خراسان استخراج شده است.

۲. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان. (نویسنده مسئول) feizabadim@yahoo.com

۳. مدرس دروس خارج حوزه علمیه خراسان. rhaghp@yahoo.com

یکی از مسائل مهم و چالشی در فقه امامیه این است که اگر فردی مرتکب زنا شد، آیا می‌توان با او ازدواج کرد؟ حکم صورت‌های گوناگون آن از حیث خُلیه‌بودن و ذات‌البعل بودن زن، شهرت در جامعه، حدخوردن، توبه و... چیست؟ قائلان به حرمت در این مسئله به این آیه شریفه استناد کرده‌اند: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور، ۳) (مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان حرام است).

آن‌ها معتقدند که آیه، ظهور در حرمت ازدواج زن زناکار (زانیه) با مردان زناکار، غیرزناکار و مشرک و حرمت ازدواج مرد زناکار (زانی) با زنان زناکار، غیرزناکار و مشرک دارد و ازدواج این دو با یکدیگر محکوم به حرمت است.

اما در اینکه آیا آیه بر حرمت نکاح با زانی و زانیه دلالت دارد یا خیر و آیا از نظر ظهور و دلالت، در مقام بیان حکم الهی است یا از قضیه‌ای خارجی و طبعی خبر می‌دهد، بین مفسران و فقها اختلاف است. گروهی از مفسران و فقها معتقدند که این آیه در مقام بیان حکم شرعی بوده و هدف آن، جلوگیری از ازدواج با زناکار است تا بدین وسیله، هم جلوی انتشار بیماری‌های اخلاقی را بگیرد و هم به دلیل ننگ‌بودن این عمل و تأثیر منفی که در سرنوشت فرزندان پرورش یافته در چنین دامن‌های مشکوکی دارد، از آن جلوگیری نماید.

در مقابل، گروهی از مفسران بر این باورند که آیه بر اساس ظاهر خبری‌اش در مقام خبردادن از واقعیتی خارجی است که انسان‌های آلوده دنبال آلوده‌ها می‌روند و انسان‌های پاک هرگز در انتخاب همسر، تن به چنین آلودگی و انتخاب همسر آلوده نمی‌دهند. در این نوشتار با بررسی دلالت فقهی و تفسیری آیه شریفه بر حرمت نکاح با زانی و زانیه، به آرای هر کدام از مفسران و فقها و ادله‌ای که به آن استناد کرده‌اند پرداخته و ضمن شرح و تبیین، به نقد آن‌ها می‌پردازیم.

## مفهوم‌شناسی

نکاح: در لغت بنا بر مشهور به معنای وطی (آمیزش) و در شرع، عبارت از عقدی است که متضمن مباح بودن وطی است و مورد آن، «تملیک منفعت بضع» است. (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۴۳/۲۹؛ جرجانی، ۱۳۷۰: ۲۴۶)

زنا: آمیزش جنسی بین زن و مرد بدون عقد ازدواج یا مالکیت یا شبهه عقد و ملک است که با ورود آلت تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در مجرای تناسلی یا مقعد زن صورت می‌گیرد. (حلی (محقق)، ۱۴۰۹ق: ۱۳۶/۴)

حرمت: در لغت به معنای ممنوعیت و در اصطلاح فقه، حکم به طلب ترک فعلی است که انجامش موجب عقاب شود. (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱/۶۶۰)

دلالت: در لغت به معنای راهنمایی و در اصطلاح به حالتی در شیء گفته می‌شود که سبب علم به شیء دیگری می‌شود؛ به عبارت دیگر به کشف مدلول از وجود دال، دلالت می‌گویند. (جرجانی، ۱۳۷۰: ۸۸/۱؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۱۸/۲۸۶)

### ۱- سخن مدافعان تشریحی بودن آیه

گروهی از فقها و مفسران با تمسک به ظاهر، سیاق آیه و قراین دیگر، قائل‌اند که آیه در مقام بیان حکم تشریحی است نه واقعیت خارجی؛ ولی در نوع حکم تکلیفی، دیدگاه‌های متفاوتی دارند که به بررسی و نقد هریک از دیدگاه‌ها می‌پردازیم:

#### ۱-۱- حرمت مطلق

دیدگاه اول این است که آیه در مقام بیان حکم حرمت بوده و ازدواج با زناکار حرام است که برخی از فقهای شیعه مثل ابن زهره و شیخ صدوق با استناد به این آیه، به حرمت ازدواج با زناکار فتوا داده‌اند. مقدس اردبیلی در ذیل آیه ﴿وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ﴾ (نور، ۲۶) به عدم جواز، میل کرده و می‌فرماید: مردانی بودند که با زنان زناکار ازدواج می‌کردند و خداوند آن‌ها را از این کار نهی کرد. (اردبیلی، بی‌تا: ۵۶۴)

اینان برای اثبات دیدگاه خود به وجوه گوناگونی به آیه استدلال می‌کنند:

الف) استدلال به ظهور آیه

این فقها با استناد به ظاهر آیه می گویند: «ظاهر آیه با در نظر گرفتن سیاق ذیل و صدرش در مقام بیان حکم تشریحی تحریمی است؛ گرچه ظاهر صدر آیه خبری است ولی مراد از این خبر، تأکید در نهی است؛ زیرا وقتی امر و نهی به صورت خبری بیان می شود، مؤکد می شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۸۶/۱۵) پس بر این اساس ازدواج زانی و غیرزانی با زانیه حرام است.

ب) استناد به روایات ذیل آیه

دلیل دیگر این فقیهان، استناد به روایاتی است که در ذیل آیه از اهل بیت علیهم السلام آمده است. مرحوم یوسف بحرانی از قائلان به حرمت در آیه، با استناد به روایات می گوید:

«اگرچه صدر آیه با لفظ خبری است، اما مراد از آن نهی است... با توجه به روایاتی که در تفسیر آیه وارد شده، مراد از آیه نهی است: محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عز و جل: الزانی -الی آخرها- و هم رجال و نساء کانوا علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مشهورین بالزنا، فنهی الله عز و جل عن اولئک الرجال و النساء، و الناس الیوم علی تلک المنزله، من شهر بشیء من ذلک او اقیم علیه حد فلا تزوجه حتی یعرف توبته.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۵۵/۵) روایت، صحیح است؛ چون محمد بن مسلم از اصحاب اجماع است. در جمله «فنهی الله عز و جل عن اولئک...»، امام علیه السلام می فرماید که خداوند از این عمل «نهی» کرده و به اتفاق همه علما، نواهی الهی دلالت بر تحریم می نماید، مگر اینکه قرینه ای برخلاف آن وجود داشته باشد.» (بحرانی، ۱۴۱۳ق: ۴۳۵/۲۳)

بنابراین با استناد به روایت مذکور، حرمت ازدواج با زناکار از آیه فهمیده می شود.

ج) استدلال به جمله «حُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

از دیگر وجوهی که با استناد به آن، حرمت از آیه فهمیده می شود، استدلال به جمله «حُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» است.

مرحوم فاضل جواد در مسالک الافهام با تکیه بر جمله «حُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» استناد

می‌نماید که «حَرَم» ظهور در حرمت دارد. همچنین ایشان بر این باور است گرچه ظاهر آیه خبری است، ولی به معنای نهی است؛ یعنی مرد زناکار نباید جز با زن زناکار ازدواج کند. ایشان مؤید حکم حرمت را جمله «حُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» دانسته و این گونه بیان می‌نماید که مؤمنان به دلیل ایمانشان، نزد خدا مدح شدند، حال اگر با زناکار ازدواج کنند باعث می‌شود که به فاسق شباهت پیدا کرده و سیره و سبک زندگی‌شان شبیه فاسق شود، بین مردم در موضع تهمت قرار گرفته، مردم درباره این‌ها لب‌به‌گفتارهای ناپسند گشوده و آن‌ها را سرزنش کنند؛ بنابراین خداوند ازدواج با زناکار را تحریم کرده است. (فاضل جواد، ۱۳۶۷: ۳/۳۶۱)

د) استناد به مرجع ضمیر در جمله «حُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» وجه دیگری که برای حرمت به آن استدلال کرده‌اند، استناد به جمله شریفه «حُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» و مرجع ضمیر آن است. با این بیان که ضمیر در جمله شریفه و در فعل «حُرِّمَ»، هم می‌تواند به نکاح برگردد و هم به زنا ارجاع داده شود. اگر ضمیر به زنا برگردد، تأکید است، چون بحث زنا در آیه ذکر شده ولی اگر به نکاح برگردد، تأسیسی است و بر اساس قاعده تراحم مرجع ضمیر، چون تأسیس ارجح است، ضمیر را به نکاح ارجاع داده و حکم به حرمت داده می‌شود. (حلی، ۱۴۱۱ق: ۳/۲۵۷)

ها) بزرگ‌ترین حکمت نهی از عمل زنا و اجرای حد برای مرتکبان این عمل، ممانعت از «اختلاط انساب» است. اگر ازدواج با زناکار مباح باشد، لازمه‌اش معلوم‌نبودن نسبت‌ها است که از آن نهی شده است. (حلی، ۱۴۱۱ق: ۳/۲۵۷)

### ۱-۲- حرمت مقید

برخی از فقها با تکیه بر روایات صادرشده از اهل بیت (علیهم‌السلام) حکم تحریم را منحصر در زنان و مردان مشهور به زنا می‌دانند. (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۹/۴۴۳)

علامه طباطبایی در المیزان در ذیل آیه زنا می‌فرماید: «بر اساس روایاتی که در ذیل آیه از اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده، ازدواج با زناکار با سه شرط «مشهوره» و «حدخورده» و «غیر تائب» حرام است.»

وی با کمک روایات وارده از اهل بیت علیهم السلام بیان می‌کند:

«حاصل معنای آیه این است که زناکاری که مشهور است و حد بر او جاری شده و توبه نکرده، حرام است با زن پاک و مسلمان ازدواج نماید. این فرد باید با زن زناکار و یا زن مشرک، ازدواج کند و همچنین زن زناکار مشهوره که حد بر او جاری شده و توبه نکرده، حرام است با مرد مسلمان و پاک ازدواج نماید. وی باید با زناکار یا مشرک ازدواج نماید.» (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۵/۸۶)

قید حدخورده که مدنظر علامه است، از سیاق آیه قبل استفاده می‌شود؛ چون حکم به تحریم نکاح در این آیه بعد از آیه اقامه حد زناکار است و همین بعد آمدن، ظهور در این دارد که مراد از زناکار، حدخورده است. از سویی اطلاق زناکار، ظهور در کسانی دارد که هنوز به این عمل شنیع ادامه می‌دهند و شمول این اطلاق به کسانی که توبه کرده‌اند، از شیوه قرآن به دور است. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۵/۸۶)

صاحب کتاب فقه الصادق نیز با پذیرش همین دیدگاه، باورمند است که اگر استدلال به آیه تمام باشد، مختص به زنان مشهوره است؛ چون نصوص دلالت بر این دارند که منظور از آن‌ها زنان مشهوره است. (روحانی حسینی، ۱۴۱۴ق: ۲۱/۳۱۷)

همچنین آیت الله مکارم شیرازی معتقد است که آیه با قرینه «حُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» درصدد بیان حکم شرعی است و ظهور در حرمت ازدواج با زناکار دارد؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق: ۲/۳۵۳) ولی این حکم در روایات مقید به مردان و زنانی شده که مشهور به این عمل بوده و توبه نکرده‌اند؛ بنابراین اگر مشهور به این عمل نبوده و تصمیم بر پاکی گرفته و اثر توبه در آن‌ها دیده شود؛ ازدواج با آن‌ها شرعاً اشکالی ندارد. شهرت از روایات فهمیده می‌شود و جواز با توبه از آیه فهمیده می‌شود؛ چون با توبه از عنوان زناکار خارج می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۴/۳۹۳)

اکنون به بررسی اجمالی روایات ذیل آیه می‌پردازیم:

۱. از زراره نقل شده که از امام صادق علیه السلام از معنای آیه سؤال کردم، فرمودند: «آن‌ها زنان

و مردانی بودند که به این عمل شهرت داشته و مردم آن‌ها را به این عنوان می‌شناختند. مردم امروز هم مانند مردم عصر پیامبر ﷺ هستند؛ پس اگر کسی حد زنا بر او جاری و یا متهم به زنا شد، سزاوار نیست مردم با او ازدواج کنند، تا توبه او را بدانند و توبه‌اش شهرت پیدا کند.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۹/۲۰)

زراره از اصحاب اجماع بوده و این روایت، صحیح است و دلالت بر کسانی دارد که مشهور به زناکار هستند.

۲. از محمد بن مسلم نقل شده که امام باقر علیه السلام فرمودند: «آن‌ها مردان و زنانی بودند که در عهد رسول‌الله مشهور به زنا بودند؛ پس خدای متعال مردم را از این مردان و زنان نهی فرمود و مردم امروز هم به‌مانند مردمان آن روز هستند؛ پس کسی که معروف به زنا شده و یا حد بر او جاری شده، باید از ازدواج با او خودداری شود تا وقتی که توبه‌اش شناخته و معروف شود.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۵۵/۵)

محمد بن مسلم از اصحاب اجماع است و این روایت نیز صحیح است و دلالت بر کسانی دارد که مشهور به زناکار هستند.

۳. حکم بن حکیم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: این تنها مربوط به زناکارهای علنی است و اما اگر کسی احیاناً زنايي کرده و توبه نماید، هر جا بخواهد ازدواج می‌کند. (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۰/۲۰)

این روایت، موثق است و دلالت بر کسانی دارد که مشهور به زناکار هستند؛ اگرچه حمید بن زیاد واقفی است ولی مورد وثوق رجالیان امامی است.

۴. احمد و عبد بن حمید، نسایی، حاکم، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، بیهقی در سنن خود و ابوداود در ناسخ از عبدالله بن عمر روایت کرده‌اند: زنی بود که او را ام‌مهزول می‌نامیدند و به مردی زنا می‌داد، به شرطی که خرجی او را بدهد؛ پس یکی از اصحاب رسول‌الله خواست با او ازدواج کند، خداوند این آیه را فرستاد. (سیوطی، بی تا: ۱۹/۵)

این روایت نیز بر نهی از ازدواج با زنان مشهوره، دلالت دارد.



### ۳-۱- کراهت

برخی از فقها و مفسران قائل اند که آیه زنا بیان کننده حکم شرعی است؛ ولی حمل بر کراهت می شود. ایشان برای اثبات دیدگاه خود به دلایل زیر استناد می کنند:

الف) آیه به قرینه وحدت سیاق بر حرمت دلالت می کند؛ ولی از آنجا که دلیل اجماع بر عدم حرمت ازدواج با زناکار وجود دارد، آیه را حمل بر کراهت می نمایم. این نظر از صاحب ریاض نقل شده است. (طباطبایی حائری، ۱۳۷۲: ۱۵/۸۶)

ب) برخی از فقها بر استدلال صاحب ریاض نقد وارد کرده و گفته اند: حمل کردن نهی در آیه بر کراهت، بدون قرینه، توجیهی ندارد؛ چون وحدت سیاق در آیه صلاحیت ندارد تا قرینه برای حرمت واقع شود، به این دلیل که حرمت و کراهت داخل در موضوع له نیستند؛ بلکه اگر بپذیریم، آیه ظهور در حرمت دارد، به دلیل وجود روایاتی که بر جواز دلالت دارند، حمل بر کراهت می شود. (روحانی حسینی، ۱۴۱۴ق: ۲۱/۳۱۸)

ج) صاحب کتاب الفقه با استناد به روایت ذیل آیه، آن را حمل بر کراهت می کند:

«از امام صادق علیه السلام درباره آیه زنا پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند: آن‌ها زنانی بودند که مشهور به زنا بوده و بین مردم معروف بودند و آن‌ها را به این کار می شناختند؛ امروزه نیز چنین کسانی هستند؛ بنابراین هر کس که حد زنا بر او جاری شده و مشهور به این کار باشد، سزاوار نیست با او ازدواج کنند، مگر اینکه توبه اش روشن بشود.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲/۵۷۷)

ایشان از لفظ «لا ینبغی» در روایت، ظهور در کراهت را برداشت می کند. (شیرازی حسینی، ۱۴۰۹ق: ۶۳/۸۷)

### ۱-۴- منع

بعضی از فقها با تصرف در معنای حرمت، وجه دیگری را برای دلالت آیه ذکر نموده اند و آن اینکه حرمت در آیه فقط دلالت بر منع می نماید. مرحوم خوانساری در جامع المدارک با طرح این دیدگاه می گوید: «گاهی اوقات حرمت بر حرمت شرعی حمل نمی شود، بلکه فقط دلالت بر منع از عمل می نماید. منظور از حرمت در آیه این است که مؤمنان به دلیل

جایگاه خود و عدم سنخیتشان با زوانی از نکاح با آن‌ها منع می‌شوند؛ مانند ظاهر آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبِعِي مَرَضَاتِ أَزْوَاجِكَ...﴾، (تحریم، ۱) که منظور از حرمت، منع است.»

### ۱-۵- حرمت تکلیفی

سیداحمد خوانساری به نقل از برخی فقها وجه دیگری را برای آیه نقل می‌کند که آیه در مقام نهی بوده و نهی به عنوان ازدواج تعلق می‌گیرد؛ ولی از آن فقط حرمت تکلیفی استفاده شده و بر حرمت وضعی یعنی بطلان ازدواج، دلالتی ندارد. بنا بر قول مشهور نهی در معاملات در صورتی دلالت بر فساد می‌کند که نهی نفسی بوده و از مفسده‌ای نشئت گرفته باشد که در خود آن وجود دارد؛ اما اگر نهی در مسئله‌ای به دلیل مراعات حرام دیگری باشد، فقط بر حرمت تکلیفی دلالت می‌نماید؛ مانند نهی از جمع بین زنان سیده در نکاح که به دلیل مراعات حرام دیگر (ناراحتی حضرت زهرا علیها السلام) با جمع بین دو سیده) است.

البته خود ایشان این دیدگاه را نقد کرده و آن را مردود می‌شمارد؛ چون:

اولاً، در حرمت نکاح فرقی بین زانیه و زنان محرمه دیگر بر مرد نیست؛ یعنی زانیه هم مانند بقیه زن‌های دیگر است که بر مرد حرام است؛ بنابراین این مطلب که حرمت در این آیه فقط تکلیفی بوده ولی تحریم زنان دیگر، وضعی باشد، بدون دلیل است و شاهدی هم بر این رأی وجود ندارد.

ثانیاً، اگر حرمت نکاح در آیه فقط تکلیفی باشد با روایات تعارض پیدا می‌کند؛ چون در روایات، نکاح با زانیه اجازه داده شده است؛ بنابراین وجود روایات جواز در این مسئله دلالت بر این می‌کند که ازدواج با زانیه حرام تکلیفی نیست و این نظر، مردود است. (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ۴/۲۱۵)

### ۲- سخن مدافعان خبری بودن آیه

در مقابل قول به تشریح در آیه، بسیاری از فقها و مفسران بر این باورند که آیه در مقام تشریح نیست؛ بلکه بیان‌کننده واقعیتی عینی است که انسان‌های آلوده همواره دنبال آلوده‌ها

رفته و افراد پاک و باایمان هرگز تن به چنین آلودگی‌هایی نمی‌دهند؛ مثلاً مرحوم صاحب جواهر می‌گوید:

«ظاهر آیه خبری است نه نهی و معنایش این است که فاسق خبیثی که شأن زنا دارد، رغبتی به نکاح با زنان صالحه‌ای که برخلاف شخصیت او هستند، ندارد، بلکه لذا به زن خبیثی مثل خودش یا به مشرکی که در خباثت شبیه و نزدیک به اوست، تمایل دارد. زن زانیه نیز فاسقی است که مردان صالح رغبتی به ازدواج با او ندارند، بلکه فقط افرادی مثل خودش به او میل می‌نمایند. چون هم‌شاکله بودن علت الفت و همبستگی و تخالف، علت افتراق و نفرت است و معنای آیه شبیه آیه «الخبیثات للخبیثین...» است. اینکه زنا در کنار شرک قرار گرفته برای تشدید امر زنا و تغلیظ حرمت آن است.»  
(نجفی، ۱۹۸۱: ۲۹/۴۴۳)

فقها و مفسرانی که مدافع عدم تشریح هستند، دارای دیدگاه‌های گوناگونی بوده و برای دیدگاه خود به دلایلی استناد می‌کنند که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

## ۲-۱- موضوع اصلی آیه، زنا است

برخی با این باور که موضوع اصلی آیه، «زنا» است، به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند:  
۱. آیه در مقام اخبار از امر واقع در مورد زنا است:

بعضی فقها و مفسران با محور قرار دادن واژه «نکاح» معتقدند: مراد از «نکاح» در آیه، نفس فعل یعنی «وطی» بوده و اشاره‌ای به ازدواج ندارد؛ بلکه در صدد خبر دادن از امر واقع است، نه انشای تشریح. همچنین چون آیه، بدون انفصال بعد از آیه ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً...﴾ (نور، ۲) قرار گرفته، ظاهر آیه بر این دلالت می‌کند که زن زناکار فقط با مرد زناکار یا مشرک زنا می‌کند و برعکس و این فعل شنیع فقط از دو شخصی که از سنخ واحدند صادر می‌شود. (خویی، ۱۴۱۸ق: ۲۱۸/۱) صاحب مستمسک العروه الوثقی (حکیم، ۱۴۱۱ق: ۱۴/۱۵۴) و صاحب کشف (مغنیه، ۱۳۹۱: ۳/۲۱۲) از قائلان به این رأی هستند.

۲. کسی که زنا را حلال بداند مشرک است:

وجه دیگری بر همین مبنا که واژه «نکاح» به معنای «وطی» است، از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: مراد از آیه این است که اگر کسی با زنی زنا کند و آن را حلال بداند، مشرک است، و گرنه زانی است. (روحانی حسینی، ۱۴۱۴ق: ۳۱۸/۲۱)

۳. هدف آیه، تشویق بر زنانکردن است:

صاحب کتاب الفقه با اشاره به اینکه موضوع آیه مبارکه، «وطی» است، می‌گوید: «هدف آیه، تحریض بر عدم زناى مؤمنین و مؤمنات (تشویق بر زنانکردن) است؛ یعنی زنا در شأن زناکاران و مشرکان است، نه مؤمنان پاک.» (شیرازی حسینی، ۱۴۰۹ق: ۸۷/۶۳)

۴. آیه بیان‌کننده لیاقت مرتکبان این عمل زشت است:

وجه دیگر، این است که آیه می‌خواهد از لیاقت مرتکبان این عمل زشت خبر دهد؛ یعنی افراد پلید همان پلیدی‌ها را دوست دارند و لیاقت بیش از آن را ندارند. مرد زناکار به دلیل خبثت و پلیدی ذاتش جز به زنی مثل خود میل نمی‌کند و همچنین زن زناکار جز به مردی مثل خود تمایل ندارد؛ پس آیه شریفه در مقام بیان اعم اغلب است؛ همچنان که در آیه دیگر فرموده: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ...» (نور/۲۶) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲۰/۷؛ مراغی، بی‌تا: ۷۰/۱۸)

۵. آیه در مقام بیان حکم ادبی و اخلاقی است:

وجه دیگری نیز در متون فقهی بدان اشاره شده، که آیه در مقام بیان حکم ادبی و اخلاقی است؛ یعنی از مؤمن زنا سر نمی‌زند و اگر از شخصی این عمل سر زد، طرف مقابل او یا زناکار است و یا پست‌تر از آن، مشرک است. (ایروانی، ۱۴۲۸ق: ۳۵۶/۱)

۶. آیه بیان‌کننده زشتی عمل مرتکبان آن است:

محمدجواد مغنیه صاحب تفسیر کاشف می‌گوید:

«آیه نه اخبار از واقع می‌دهد و نه در مقام بیان حکم شرعی است؛ بلکه

مبین این است که زنا از بدترین قبیح و زشت‌ترین اعمال است. وقتی کسی

رغبت به این کار نماید، کسی جز فاجر عاهر مرتکب آن نمی‌شود و تنها کسی که در فسق و فجور مثل اوست، جواب می‌دهد. قید «أو مُشْرِك» در آیه اشاره به این دارد که زنا به منزله شرک به خدا است، همان گونه که قرآن در جای دیگر حکم شرک و قتل نفس و زنا را یکی دانسته است: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ...﴾ (فرقان، ۶۸) و در جمله شریفه «حُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»، مؤمنین را از باب تغلیب ذکر نموده، در حالی که به دلیل ظاهر سیاق، زنا بر مؤمنات نیز حرام است.» (مغنیه، ۱۴۲۸ق: ۵/۳۹۷)

وجوه مذکور بر مبنای این است که واژه «نکاح» به معنای وطی در نظر گرفته شود و به همین دلیل، نقدپذیر بوده و مردود است؛ اگرچه بعضی از علما قائل اند که واژه «نکاح» مشترک معنوی بین عقد و وطی است و آن را در آیه به معنای وطی گرفته‌اند، ولی بر اساس قرائن و ادله روشن، «نکاح» در این آیه به معنای عقد ازدواج است؛ زیرا:

اولاً، این کلمه در تمام آیات قرآن به معنای عقد است. حتی برخلاف کسانی که معتقدند که این واژه در آیه ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ...﴾ (بقره، ۲۳۰) معنای وطی دارد، اینجا هم به معنای نکاح است و بر دخول دلالت ندارد. همچنین اگر بگوییم به معنای نکاح نیست، باز هم اعم از نکاح و دخول است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق: ۲/۲۷۷) یا در آیه شریفه ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ﴾ (نسا، ۲۲) که بعضی فقها می‌گویند به معنای وطی است، بر اساس سیاق آیه، به معنای عقد است؛ چون جمله اول به معنای عقد است، پس جمله دوم نیز به معنای عقد است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ق: ۲/۲۷۷)

دوماً، اگر «نکاح» در این آیه به معنای وطی باشد، آیه این گونه معنا می‌شود که زنا کار فقط با زناکار، زنا می‌کند و این نوع معنا، فاسد است؛ سوماً، در روایات کثیری که از اهل بیت (علیهم‌السلام) صادر شده، غالباً نکاح به معنای عقد است و چهارماً، آنچه از اطلاق نکاح در آیه به ذهن تبادر می‌کند، عقد است.

مرحوم فاضل جواد با پذیرش معنای عقد ازدواج برای واژه «نکاح» می‌گوید: مؤید این نظر، وجود روایاتی است که ظهورشان دلالت بر این می‌کند که آیه مذکور درباره مردان و

زنانی نازل شده که در زمان رسول الله مشهور به زنا بوده‌اند و خداوند متعال از ازدواج با آنان نهی کرد. (کاظمی، ۱۳۶۷: ۳/۳۲۱)

به نظر نگارنده، «نکاح» در آیه به معنای عقد است؛ چون این واژه در لسان قرآن و روایات به معنای عقد بوده و آنچه عرفاً به ذهن تبادر می‌کند، همین معنا است.

## ۲-۲- موضوع اصلی آیه، نکاح است

عده دیگری از فقها و مفسران، موضوع آیه را نکاح دانسته و چنین می‌گویند:

۱. آیه در مقام خیر دادن درباره نکاح است:

عده‌ای از فقها با رد تشریحی بودن آیه، بر این باورند که آیه در مقام اخبار از نکاح است؛ چون اگر حمل بر تشریح شود، اشکالاتی به وجود خواهد آمد:

اولاً، ظاهر آیه اقتضا می‌کند که ازدواج مسلمان زناکار با فرد مشرک، صحیح باشد، در حالی که احدی از فقهای امامیه قائل به این حکم نیست و این ازدواج، باطل و حرام است. (حکیم، ۱۴۱۱ق: ۱۴/۱۵۴)

به عبارت دیگر، در آیه شریفه، نکاح زناکار با مشرک، استثنائاً صحیح است، در حالی که این نکاح، به اجماع مسلمین، باطل است. (خویی، ۱۴۱۸ق: ۱/۲۱۸)

دوماً، بر اساس آیه شریفه یکی از شرایط صحت ازدواج این است که زوج، زناکار نباشد، (چون موضوع آیه، هم در مورد زن و هم در مورد مرد است) در حالی که هیچ‌کس از فقهای امامیه در مورد مرد زناکار، قائل به این قول نیست؛ بلکه اختلاف فقها در مورد زن زناکار است. (خویی، ۱۴۱۸ق: ۱/۲۱۸)

سوماً، آیه ظهور در این دارد که ازدواج مرد زانی با زن زانیه جایز است؛ در حالی که اگر بنا را بر عدم جواز ازدواج با زانیه بگذاریم، فرقی بین مرد زانی و غیرزانی نیست و در هر دو صورت، نکاح جایز نیست و این خلاف ظاهر آیه است. (خویی، ۱۴۱۸ق: ۱/۲۱۸)

چهارماً، بر مبنای ظهور آیه، زانی فقط می‌تواند با زانیه ازدواج کند و نمی‌تواند با کس دیگری ازدواج نماید؛ در حالی که بر مبنای فقهای امامیه، زانی می‌تواند با زن مؤمنه ازدواج نماید. (روحانی حسینی، ۱۴۱۴ق: ۳۱۸)

۲. آیه در مقام بیان حکم «طبعی» و عرفی است:

یکی از وجوهی که برای آیه ذکر شده این است که آیه بیان کننده روش عادی زندگی مردم است. طرفداران این وجه با رد تشریحی و خبری بودن آیه می گویند: اگر در مقام خبر بر داعی انشا باشد، محذور پیش می آید؛ زیرا ظاهر آیه می فرماید: «مرد زناکار ازدواج نمی کند مگر با زن زناکار یا زن مشرک...» در حالی که مسلمان زناکار نمی تواند با مشرک ازدواج کند و این گناه، سبب گناه دیگری می شود؛ زیرا نکاح مسلمان با مشرک از نظر تکلیفی، حرام و از نظر وضعی، باطل است. خبری بودن آن نیز مردود است؛ چون اگر در مقام اخبار باشد، محتوای آن دروغ است؛ زیرا بسیاری از زنان زناکار با مردان مؤمن و خیلی از مردان زناکار با زنان مؤمن ازدواج می کنند.

پس آیه در مقام بیان حکم عرفی و طبعی است. حکمی از سنخ «کند هم جنس با هم جنس پرواز» و مثل «الخیثات للخیثین» و بیان کننده روش عادی زندگی مردم؛ یعنی طبع مردان و زنان زناکار شبیه هم است، نه اینکه باید با هم باشند. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۶۹؛ ابو حیان، ۱۴۲۰ق: ۹/۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۲۲۷/۱۶)

۳. آیه در مقام زشت شمردن کار افراد زناکار است:

آلوسی در روح المعانی بر این باور است که مراد از آیه، تقبیح شدید این گونه افراد است؛ یعنی لیاقت مرد زناکار این است که جز زن زناکار یا بدتر از او را نگیرد و لیاقت زن زناکار هم این است که جز با مرد زناکار و یا بدتر از او یعنی مشرک، ازدواج نکند.

در اینجا مراد از نکاح، عقد و ازدواج مشروع است و جمله «حُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» عطف بر اول آیه بوده و مراد این است که زنا بر مؤمنان حرام است، نه ازدواج. (آلوسی بغدادی، بی تا: ۸۴/۱۸)

۴. آیه منسوخ است:

در میان مفسران برخی قائل به نسخ این آیه هستند و بیان می کنند که نکاح با زانیه در اول اسلام حرام بوده است؛ اما با آیه «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (نساء، ۳) یا «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ» (نور، ۳۲) و یا اجماع، نسخ شده است. (شافعی، بی تا: ۱۷۸/۱)

این دیدگاه، پذیرفتنی نیست؛ زیرا:

اولاً، نسخ آیه به وسیلهٔ اجماع، ممنوع است؛ زیرا هیچ وقت حکم، با اجماع، نسخ نمی شود. دوماً، حکم آیه زنا با حکم آیات مذکور منافاتی ندارد؛ چون نسبت بین آنها عموم و خصوص است و عام بعد از خاص، نسخ نیست. (کاظمی، ۱۳۶۷: ۳/۳۲۳)

سوماً، اگر در مسئله ای دو حکم شرعی وجود داشته باشد، یکی خاص و دیگری عام، احتمال نسخ هم باشد و امر بین تخصیص عام یا نسخ آن دایر شود، تخصیص بر نسخ مقدم است. در مسئله مذکور دو حکم وجود دارد: حرمت نکاح با زانیه و جواز آن؛ بنابراین حکم جواز، تخصیص خورده ولی نسخ نمی شود. حسینی روحانی در این باره می گوید: اگر در این مسئله قائل به نسخ شده و عام را تخصیص نزنیم، برخلاف حق است؛ چون تخصیص، اولی از نسخ است. (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ق: ۲۱/۳۱۸)



## نتیجه گیری

۱. موضوع آیه، نکاح است. زیرا:

الف) شأن نزول آیه در مورد نکاح با زانیه است.

مفسران در شأن نزول این آیه می گویند: وقتی مهاجران به مدینه آمده بودند، فقیر و تنگ دست بودند. در مدینه زنان فاحشه وجود داشتند که از کرایه دادن خود، توانگرترین مردم مدینه شده بودند. عده ای از مهاجران بی بضاعت به طمع مال، خواستار ازدواج با آنان شده و گفتند: با این ها ازدواج می کنیم و زندگی می کنیم تا خداوند بی نیازمان سازد. آنان در این مورد از پیامبر اسلام ﷺ اجازه خواستند که این آیه، در تحریم ازدواج مردان مسلمان با زنان زنا دهنده نازل شد. (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳: ۱۷۶/۱)

برخی از مفسران نیز در شأن نزول نوشته اند: مردی از مسلمانان از پیامبر ﷺ اجازه خواست که با ام مهزول (زنی که در عصر جاهلیت به آلودگی معروف بود و حتی پرچی برای شناسایی بر در خانه خود نصب کرده بود) ازدواج کند که آیه بالا نازل شد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹۸۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶۸/۱۲)

ب) واژه «نکاح» در این آیه همانند بقیه آیات و لسان روایات و تبادر عرفی، به معنای عقد و در مورد ازدواج است.

ج) آیه قبل که در مورد زنا است، با واژه «الزانیه» شروع شده، ولی این آیه با «الزانی» شروع می شود.

۲. واژه های «الزانیه» و «الزانی» اسم فاعل بوده و به کسانی اطلاق می شود که عنوان زناکار بر آنها صدق کرده و دارای چنین شخصیتی هستند. کسانی که توبه کرده باشند، از مصادیق آیه شمرده نمی شوند.

۳. با اندکی تأمل در آیه روشن می شود که مخاطب در هر دو جمله آیه، مرد است. هم جمله «الزانی لا ینکح إلا زانیة أو مشرکة» و هم جمله «والزانیة لا ینکحها إلا زان أو مشرک» به مردان زناکار می گوید: جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکنند و نیز زنان زناکار را جز مردان زناکار به همسری نگیرند و این دلالت بر این می کند که آیه درباره طبع و گرایش،

حرف می‌زند.

۴. کلمه شرک در آیه عمومیت داشته و شامل هر نوع شرکی می‌شود؛ بنابراین منحصر در بت‌پرستی نیست که از موانع ازدواج به شمار می‌آید، بلکه آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که اشاره به شرک عام دارد؛ مانند آیه شریفه: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (یوسف، ۱۰۶) و ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾. (انعام، ۸۲) قرار گرفتن «شرک» در کنار «زنا»، هم بر غلظت و شدت گناه زنا دلالت کرده و هم بیان‌کننده این است که منظور از «شرک»، آلودگی و گناه است.

۵. ضمیر در جمله «حُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» به زنا برمی‌گردد؛ چون در تعارض مرجع ضمیر، برگشت ضمیر به زنا تأسیسی و ارجح است. این جمله شریفه با افاده این معنا که «زنا بر مؤمنان حرام شده است.» در مقابل جمله قبل است، که مؤمن پاک است و مشرک، آلوده به زنا است.

۶. روایات صادر شده از اهل بیت (علیهم‌السلام) با یک‌سونگری مربوط به زنان آلوده مشهوره است و اشاره‌ای به زنان آلوده غیر مشهوره و مردان زناکار نداشته و متعرض آن‌ها نشده است؛ در حالی که سکوت روایات نسبت به زانی، حداقل دلالت بر عدم تشریح حکم نکاح با زانی دارد و آیه نیز به هر دو عنصر زانی و زانیه پرداخته است.

۷. منطوق آیه با محصور کردن نکاح زانی، بیان‌کننده این معنا است که زانی فقط باید با زانیه یا مشرک ازدواج نماید، نه کس دیگر و با زانیه هیچ کس جز زانی یا مشرک ازدواج نکند؛ ولی مفهوم آیه دلالت بر عدم جواز ازدواج مؤمن با زانیه و مؤمنه با زانی می‌نماید. اگر آیه در مقام تشریح بود، باید نه فقط ازدواج با زانیه، بلکه هر دو سو را تحریم می‌کرد.

گرچه ظاهر آیه دال بر انحصار جواز نکاح زانی با زانیه است؛ ولی با توجه به قرینه‌ها و دلیل‌های موجود، آیه در مقام بیان حکم عرفی و طبعی بوده و دلالت بر حکم تشریحی درباره ازدواج با زانی و زانیه نمی‌کند. اگر بپذیریم آیه بر اساس روایات، بیان‌کننده حکم شرعی است، در جانب زن و نکاح با زانیه دلالت بر کراهت نموده و در جانب مرد، ساکت است.

## فهرست منابع

## \* قرآن کریم

۱. آرام، احمد، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت (ترجمه من هدی القرآن)، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲. آلوسی البغدادی، بی تا، روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم و السبع المثانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن ادريس شافعی، محمد، بی تا، احکام القرآن، بی جا.
۴. ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۵. ایروانی، باقر، ۱۴۲۸ق، دروس تمهیدیه فی تفسیر آیات الاحکام، ط ۳، قم: دارالفقه.
۶. بحرانی، یوسف، ۱۴۱۳ق، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، ط ۳، بیروت: دارالاضواء.
۷. تهانوی، محمد بن علی، ۱۹۹۶، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۸. جرجانی، علی بن محمد، ۱۳۷۰، التعریفات، ج ۴، تهران: ناصرخسرو.
۹. حر العاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ط ۲، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
۱۰. حلّی، احمد بن محمد بن فهد، ۱۴۱۱ق، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، تحقیق مجتبی عراقی، قم.
۱۱. خوانساری، سیداحمد، ۱۴۰۵ق، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ط ۲، قم: اسماعیلیان.
۱۲. خوبی، (الموسوی)، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۸ق، المبانی فی شرح العروه الوثقی، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۱۳. روحانی حسینی، سیدمحمدصادق، ۱۴۱۴ق، فقه الصادق، ط ۳، قم: دارالکتب الاسلامیه.

١٤. زمخشرى، محمود بن عمر، ١٣٩١، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ترجمه مسعود انصارى، ج ٢، تهران: ققنوس.
١٥. شيرازى الحسينى، سيد محمد، ١٤٠٩ق، موسوعه استدلاليه فى الفقه الاسلاميه (الفقه)، كتاب النكاح، ط ٢، بيروت: دارالعلوم.
١٦. طباطبايى حائرى، سيد محمد على، ١٤٢١ق، رياض المسائل فى تحقيق الاحكام بالدلائل، قم: موسسه آل البيت (عليه السلام) لحياء التراث.
١٧. طباطبايى حكيم، سيد محسن، ١٤١١ق، مستمسك العروه الوثقى، قم: اسماعيليان.
١٨. طباطبايى، سيد محمد حسين، ١٣٧٢، الميزان فى تفسير القرآن، ط ٥، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
١٩. طبرسى، ١٣٧٢، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: ناصر خسرو.
٢٠. فاضل جواد، كاظمى، ١٣٦٧، مسالك الافهام الى آيات الاحكام، ط ٢، تهران: مرتضوى.
٢١. فضل الله، سيد محمد حسين، ١٤١٩ق، تفسير من وحى القرآن، بيروت: دارالملايك.
٢٢. قرطبي، محمد ابن احمد، ١٣٦٤، الجامع الاحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
٢٣. قمى مشهدى، محمد بن محمد رضا، ١٣٦٨، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت ارشاد اسلامى.
٢٤. كلينى، محمد بن يعقوب، ١٣٨٨، الكافى، تحقيق على اكبر الغفارى، ط ٣، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
٢٥. محقق حلى، جعفر بن حسن، ١٤٠٩ق، شرائع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، تهران: استقلال.
٢٦. مراغى، احمد بن مصطفى، بى تا، تفسير المراغى، بيروت: دار احيا التراث العربى.
٢٧. مغنيه، محمد جواد، ١٤٢٨ق، التفسير الكاشف، ط ٤، قم: دارالكتب الاسلامى.
٢٨. مقدس الاردبيلى، بى تا، زبدة البيان فى احكام القرآن، تهران: المكتبه الرضويه.
٢٩. مكارم الشيرازى، ناصر، ١٤١٣ق، انوار الفقاهه، ط ٢، قم: موسسه تنظيم و نشر تراث

الامام الخميني رحمته الله

۳۰. مكارم شيرازي، ناصر، ۱۳۸۴، تفسير نمونه، چ ۲۵، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
۳۱. نجفي، محمدحسن، ۱۹۸۱، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ط ۷، بيروت: داراحياء التراث العربي.
۳۲. نوري، طبرسي، ميرزا حسين، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ط ۲، بيروت: موسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
۳۳. واحدي نيشابوري، ۱۳۸۳، اسباب النزول، ترجمه عليرضا ذكاوتي قراگزلو، تهران: نی.
۳۴. سايت اسراء، ۲ اسفند ۱۳۹۵، <http://javadi.esra.ir>